



.. وقتی از «رمان اجتماعی» حــرف میزنیم، بهطور ص درونمایه و مضمــون یک رمــان را در نظر گرفتهایـــم و از آنجا کــه اکثریت قاطــع رمانها در قضایی خصوصی یــا عمومی از یــک جامعه کوچک یا گســترده روایت میشوند، سـخت میتوان رمانی را یافت که رگههایی از توجه، کنــش، نمایش، نقد یا روح غالب و مقصود نویسـنده، آن عنصری اسـت که می تواند به دسته بندی اثر به لحاظ مضمون (و نه ژانر) ی . منجر شود. «رمان اجتماعی» درواقع اثری است که با دغدغه پرداختن به جامعه (و نه فرد) نوشته می شود. درست نقطه مقابل آنچه در ادبیات ۱۲،۱۰ سال اخیر ر ... - ... و بهخصوص دهـه ۸۰ ایران نوشــته و خوانده شـد. چرخهای که در این بازه در ایران بااقبال و فروش نسبی همراه بود، دو شــاخه داشت. شــاخه اصلی و قطور تر،

مسعود سینایی فر|اساسا ماجرای شکل گیری

رمــان و داســت

ماحراجو باندای نی

در ابتدای قرن بیســـتم، تقریبا مس

ان وداستان اجتماعی در صدسال گذشته تان نویسی ایران، ماجرای تاثیر گذار و

حامد داراب | در آفرینش ادبی یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست، بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی معی است. همین مولفه در ظاهر کو ناه است که گسستره ادبیات را به فضایی برای بیان مصانب و جمعی است. جمعی است: همین مولفد در ظاهر گو تاه است که گستره ادبیات را به فضایی برای بیان مصانب و دغدغههای اجتماعی و سیاسی بدل کر ده: تا آنجا که مطالعه تاریخ، به خصوص تاریخ متجدد جهان، نشــان دهد که ادبیات هر گز هساری و ده ساید نشــان دهد که ادبیات هر گز هساری و همسویی با قدرت نداشته است. با این حال میل به حق دفاع از جامعه اگر اصل اساسی ادبیات متجدد جهان نباشد، یکی از مهم ترین اهداف آن است: که از مهم ترین شایستگی هایش ممکن ساختن بیوند جامعه شناســی ادبیات با زیباشناسی کلاسیک ار مانگر ایی کلاسیک خود فاصله گرفته اما هنوز، به جهان پیر امون خود حساس و از آن تاثیر پذیر ســت. در واقع ادبیات اجتماعی با چنین پیش زمینه ای به صدایی رسا برای همزیستی انسان واره جامعه بدل شده است. «ادبیات شهروند» در این صفحه، موضع اجتماعیات در ادبیات و ادبیات تُ، گفتمانی که با این صُفحه در مقام یک «در آمد» اَغاز و تا اجتماعی را، به چندوچون نشسته اســ بایان سال به شـکلی تحقیقی – تحلیلی ادامه خواهد یافت تا شاید در سرانجام کار، وضعیت قابل توجهی از مصائب اجتماعی ادبیات دست داده باشد.

زمان نوشته و با سروصدای کمتری منتشر شدهاند بن رمانها، نویسندهای که دغدغه نوشتن از جامعه را دارد، این طور موضوعات مد نظـرش را دیده که تمام مشکلات، از خود ما (بهعنوان سلولهای جامعه) و به دلیل عدم کنش درست با جامعه پیچیدهای که در آن زندگی می کنیم آغاز می شود و نیز به این موضوع

ه شــکل خاص توجه شــده که آنچه ما امــروز انج ب دهیج، سازنده شرایط نسیل بعداست. هماُن طور _ كه خودمان داريم در ماحصل تصميمات واعمال نسل قبلمانزندگیمی کنیم.

این که رمان اجتماعی جایگاه شایسته خرودرانزد بخاطـــبايرانى پيدانكــ دە،معلـــول دلايل متعددى رست که بدون شک یکی از آنها نویسندگان هستند. اما عنصری تعیین کننده که اینجامیخواهم به آن اشاره رس این می در ۱۱۰۰ کنم، منتقداست، رمان اجتماعی بر حسب ذات چالشگر و پژوهندهاش مدام در حال نمایش، ارایه یا آزمایش تزها أُنتُى تزهاى اجتماعي است و اين يعنى بستر مناسب راى ورودمنتقد به ميدان كه علاوه بر ساختار و تكنيك، براىورودما بأمضمون کار در گیر شیده و نویسنده را بر این معیار به به ساخش خوانندگان بگذارد. امری که می تواند معرض سنجش خوانندگان بگذارد. امری که می تواند به پویایی داســــتانهای اجتماعی و بالارفتن ســـلیقه و . بهروی این انتظار در مورد این داستان ها کمک کندو در حال حاضر متاسفانه در ادبیات مامشاهده نمی شود گرچه من مایلمخیلیخوشبینانهنگاه کنمومثلاً سفارش نوشتن این یادداشت درباره «رمان اجتماعی» را به حساب آغاز . درکت به ســوی توجه جدی تر مطبوعات و منتقدان به این نوع نگاه و به طور کلی، تـــالاش برای حاکم کردن

رمانهای اجتماعی بهعنوان روح رمانهای فارسی دهه

۹۰ تلقی کنچ

دو گفتار درباره رمان اجتماعی محمدميرقاسمى |

اما درواقــع اینها همان آثاری بودند که تن به ســلیقه فردگـُرا و پختهخـوار ایرانی دادند. شناسـاندن خود فرد، انتخابهـا، ترسها، حـوادث و جبر جغرافیایی بهعنوان ریشه سرخوردگیها و نارضایتیهای انسان . ایرانی معاصر در زندگی، رویکرد ایسن رمانها بود. در ســوی دیگر، «رمانهای اجتماعــی» در طول همین

ین دوره تحولی که نقش مؤثری در زمین

اماً با توجه به این گرایشات فکری و اجتماع این نوع تفکر،از برون فت یک تفکر انتقادی بیرون نیامده است که نتایجش تولید فکر و اُندیشه و به تُبع آن، تولید رمان و داســتان به مانند غرب باشــد، زیرا ، راوجُ فعالیت های مشــروطه، ما با آثــار بزرگ رمانُ در اوج فعالیتهای مشتروطهایها با اسار بزر در وان و داستان در حوزه اجتماعی در غیرب مواجهایم و غربیان به دستاو دهای بزرگی در رمان نویسی دست پیسدا کردهاند، زیرا تفکر انتقادی بسیار منظمی در حوزههای تفکر فلسفی وجامعه شناسی در غرب شکل











در زندگی غربی، جاری و ناگسستنی است اما در ایران ر در رین کردی . روز نتر،این کوششهای فردی است که منجر به تولید بیشتر ماین توستی های فردی است نه متحربه نولید. آثار منفرد و متاثر از غرب شده است و باهوش سرشار آغاز گرانی مثل هدایت و چوبک ایرانی شده و عرضه میشود اما این تانش ها با قوسه بزرگ رو بود و شد و گسستهای فراوانی در رشدش صورت گرفت: ۱-ادبیات سنتی منظوم شاعرانه با تفکر سنتی نهادهای

از آن طرف،نگاه رمانتیک نویسندگان یاور قی نویس برانًى هم ُ بود كه سُعى مى ُكردند فضَّاىُ اجْ ر ی سه بود سعی می کردند فضای اجتماعی ایران ابتدای قرن و حتی بعدتر را در داستان های شان بارتاب دهند که نمونههایش از سال ۱۳۰۰ شمسی شروع شد اما به علت نبود تفکر جامعه شناسانه و انتقادی صحب سه نا وانتقادی صحیح و نبود صناعت و روایت درست در بیان، به نوع درستی تبدیل نشدندو منجر به سانتيمانتال نويسسي هاي مفرط شد كه تا به حال ادامه دارد که تُعجب می کنم جُناب میرعابدینی،این کوششهای اولیه را، که فاقد دیدقوی جامعه شناسانه وسسیونی رده رمه هسـتنده در رده رمان اجتماعــی قــرار میدهند (میر عابدینی:۵۳:۱۳۷۷) امــا گفتمان دیگــری که بــا جدی انگاشــتنش

په خصیرون به نامیانیور باستوی، توانست نمونههای خوب داستان و رمان اجتماعی را پایمریزی کند اما چون حرکتیش را جدی نگرفت پایمریزی کند اما خوب مادر نکرد و خودش هم تحت تأثیر فضای نقد در وشینفرانه آن زمان قبرار گرفت که تفکر غالبیش گرایش درونگرا و اینته بعدا رئالیسیم سوسُیالیســـتی بود، خود نیز بـُـه آن دام افتَـــاد و اگر منتقدان کمســواد آن دوران، به غلط داستان هایش را ناتورالیستی قلمداد نمی کردند و اجازه می دادند روند ادبیات رئالیستی نهادینه شـود (کما این که در ادامـه، صورت درسـت آن در ادبیـات اقلیم جنوب سه اعورت به ادبیات اجتماعی قوی و درستی تبدیل شد امادر رمان صورت کمتری پیدا کرد، می توانستیم رمان اجتماعی قـوی ای پیدا کنیم، این گسست در کار چوبک و بعدها گسستهایی که بر اثر شکست نقلاب مشروطه، شكست جنبش ٢٨ مرداد ١٣٤٢ دوباره استنداد؛ انجاد شد : گذاه -ر. رمان اجتماعی قوی ای در ایران صورت گیرد. بی دلیل یستمنتقدهوشمندی چون براهنی، در دهه ۴۰ به همیت چوبک در داستان نویسی اذعان می کند؛ و در

بادداشت

رمان اجتماعی در بستری تاریخی

گزارش ناگزیری

پیدایش رمان اجتماعــی را می توان همزمان با شکل گیری ادبیات مدرن در کشور دانست. اولین رمان هایی که در کشــور مانوشــته شدهاندریشه عُميقى با مباحث اجتماعى و سياســى روز ٌخود داشــتندالبته مى توان اين مبحــث رااز دومنظر

> فارسی از منظر مفهومی در لایههای ر کی ر کی ر کی ر کی ر زیرین خــود، اجتماعی محســوب میشــوند و از منظر ژانری نمی توان آنسان را آثسار واقع گسرای اجتماعی

غرض از بیان این مقدمه، ذکر دیدگاههای مختلف و نگرشهای متفاوت در حوزه رمان های اجتماعی جلوشکلهایمتفاوت تریبه خود گرفت

بی ثباتی کشـور و بـاروی کار اُمدن رضا پهلوی واختناق به وجود آمده در

اجتماعی صُورت جدی تری به ُ خُود گرفت می توان به سر گذشت کندوهااشاره کرد. رفته وباباز شدن وضع نسبی امور نیز در آثار برخی نویسندگان رگههایی از رمانهای رئالیستی با نگرش بهنویسندگان روس در ادبیات کشور شکل

> ایران را می تــوان به شــدت متاثر ا دبيات اجتماعى روسيه و همين طور

ترجمه أموخته بودنددر داستان هاى خويش به كار

البته این امر را می توان در ادبیات مدرن ایران سبه بین مو را می بوان در ادبینات مدرن ایران دیسد درواقع ادبیات اداستان ایرانی با واسطه ترجمه دار اروپا و آمریکا وارد کشور شد دهه ۴۰ را می توان به نوعی اوچ ادبیات کشور دانست در این زمان

به نثر یکے از مُهمترین ُویژگی های ادبی کشور شد. یکی از مهمترین آثار نگاشته شــده در دهه ۴۰ با رویکرد

ه به شدت به جامعه ســنتي و افيون زده

داشتنده یکی در اوج و دیگری در میانه دوره کاری خویشاحمدمحمود کهبی گمان یکی از مهمترین

رمانی کاملا اَجتماعی نوشت و در آن ۔ حتی بر ظلم زمان خویش شور ید در این اثر که به گفتـه برخی مقدمهای بر انقلاب نیز بود نویسـنده قهرمان خویش را به صورت مبارزی نشـان

داســـتان کوتاههایش تفاوت عمدهای دارد. اگر در ينش همواره وضع اجتماع را بُه تصويرُ مى كشيده در اين جاشخصيت اصلى دست به عمل

دهه ۴۰ خود را به عنوان نویسنده ای بانگاه بومی مطرح کرده بود با انتشار رمان همسایه ها در دهه ۵۰ خورشُ یدی خود را به عنوان یک رمان نویس تمام عیار معرفی کرد. اواین رویکرد اجتماعی را تا سال های متمادی ادامه داد و به عنوان یکی از قلل

ر همین دوران است که کلیندر محمود

یی از نامیر دادار دین نویسند دان ادبیت ایران اگرچه آثار گلشسیری پیشتر در حوزه داستان کوتاه دغینها اجتماعی داشتند و نگاه اوری خاص او در رمان کمتر دغدغه نگاه اجتماعی را داشت. اما گلشیبری در چند داستان کوتاه

خودهم در قبل از انقلاب و هم در بعد از انقلاب رویکردهای شدید اجتماعی و

.ری کی از انقلاب منتشـر شده ـــرخ که قبل از انقلاب منتشــر شده

باشروع جنگ تحميلي، ادبيات باسروه جنگ یکی از مهم ترین دفاع مقس (جنگ) یکی از مهم ترین گونههای ادبی کشور می شود. در همان ابت دای جنگ، رمسان زمین سوخته از احمد محمود تأثیر فراوانی

حتى راديكال داشته است. برای مثال در داستان مردی باکروات

بود درگیری راوی و بعد استحاله او در دیگری را مى توان بــه وضوح ديد. همين اســـتحاله در مورد

شخصیتی ساواکی رخ می دهد و جامعه پلیسی آن دوران را کامل به چالش می کشد. همین طور در داستان فتح نامه مغان، رویکرد گلشیری به انقلاب

و حــوادث بعداز آن را می توان بــه خُوبی دریافت. ــتان حتى رويكردى پيش داردومباحثی در اُثر مُطرح میشود که سالهای بعدرخمی دهد.

بر نُويسـندگان بعد خود ميگذارد و

یکی از مهمترین آثار منتشر شده در این زمان می شود. در دهه ۶۰ نویسندگان بسیاری

ی رکز می کر کر نحت تأثیر فضای قبل و بعداز انقلاب هستندو نغدغههایی مانند جنگ انقلاب و آرمان وازمیان

رفتن أرمانها ازمهم ترين ويژگيهاي رمانهاي

نویسندگان این دوره را می توان بسیار متاثر

از فضّای کارگاهی گلشــیری نیز دانست. اگرچه اوج این کارگاهها در دهه ۷۰ بود اما در این میانه

رگزاری جلسات و کارگاهها تأثیسر فراوانی در

جریانسازیادبی کشورداش

در دهه ۷۰ ادبیات اجتماعی کشور

دارای شاخههای فراوانی شد. گرایشٌ

به فضای خصوصی در بسیاری از رمانها دیده شد که این امر در دهه ۸۰ به اوج خودرسید، با باز شدن

ســـبی فُضای ُادبی در نیمه دُوم دهه ۷۰ فضـــای خصوصـــی و همینطور

روابط ممنوع به موضوع اصلى رمان

بدل شد، رمان نیمه غایب یکی از مهمترین آثار این دوره است. سناپور با نگارش

مهام رین طرین طورد است. ساپور به سازی ایسن رمان نقش مهمی در گونهای داشت که بعدها(اگرچه به خوبی ادامه پیدانکر دو کپی های ضعیفی از روی این اثر نگاشیته شد) دستمایه

ویسندگان جوان بسیاری شد. یک رمان نسلی که در آن از بین رفتن آر زوهای یک نسل و نابودی

آنان در میان دعواهای جناحی و حزبی به خوبی

اعیمیشود.

حسدبابایی

دولت آبادی نیزمنتشر می شود. اثری مهم و سترگ در مورد تاریخ ایران. اثری که در آن گویی نویسنده تاریخایران رابه تصویر می کشد. دراین میان باید یادی کنیم از هوشنگ گلشیری بهعنوان یکی از تاثیر گذار ترین نویسندگان ادبیات

مفهومی و فرمی مورد ارزیابی قرار داد. به بیان دیگر برخی از آثار مهم ادبیات

است. امری که با پیشرفت ادبیات و حرکت رو به

. این امـر را می توان بـه گونه ای در مــورد رمان بوف کور که یکی از مهم ترین آثار منتشر شده در ادبیات کشور است دانست. به بیان دیگر، بوف کور .. - - در رود رامی توان نقدی تند بر وضع اجتماعی و ابتدای ســال های ۱۳۰۰ دانست که در عین

کشوروضع نویسندگان وروشنفکران 🗖 🏋 را به گونهای رقم زد که نویسـنده از صحبت باسایه خودنیز گویی واهمه

. در دهــه ۲۰، نگاه تمثیلــی برای بیان برخی از مشــکلات کشور و نقد 📗

اگرچه این اثر بلند در دهه ۳۰ نگاشته شده است اما یکسی از آثار تمثیلی مهم زمان خویش است. آل احمد در این اثر سرنوشت ملی شدن صنعت نفت را با بیانی تمثیلی به تصویر می کشد. رفته

> . این تأثیسر را می تسوان با رش همینطور گســترش حــزب توده در کشــور و گرایش نویســندگان به این حزب دانســت.البته ترجمه آثار ین عرب دانست. اینه توجیه امر روســی نیز در این میان تأثیر فراوانی در رشــداین گونــه ادبی در کشــور داشــت درواقــع ادبیــات اجتماعی

... انقلاب اکتبــر و همینطُور نگاههای سوسیالیستیدانست. فته رفتــه نویســندگان زبان بلد و مســلط به ر بنجار سبب فریست دان روس بندو مستند به زبان های انگلیسی، فرانست و روس خود دست به قلم شدند و گونههای مختلف ادبی را که با واسطه

نویسندگان مفاهیم مختلف را با فرهنگ کشور ادغام کردند و توجه

نقد اجتماعی را مُی توان رمان سُنگی بر گوری آل احمد دانست. اثری مهــم که در آن

ر. ایران می تازد. در دهه ۴۰، دو نویسنده مهم در کشور فعالیت

خویس،خدمه حمود نخی نمان یکی ره به مربری نویسندگان اجتماعی ایران است در این دهه شروع به فعالیست کرد و صادق چوبک در این زمان با انتشار چند اثر مهم نقش به سـزایی در ادبیات اجتماعی ایران داشت مادق چوبک با رمان تنگییر

د. احمد محمود که در ابتدای دهــه ۳۰ و ابتدای ادبیات اجتماعی برای همیشــه در تاریخ ادبیات ایرانماندگارشد.

چرارمان اجتماعی در ایران شکل نگرفت؟

ادیی آن ۲-استبدادسیاسی و فکری جامعه ایرانی

اما اعتقاد دارم، در ادامه سیر سنت تفکر شاعرانه ایرانی، این نگاه نیز در ادبیات داستانی غالب شد

و نگذاشت شکل رئالیستی رمان و داستان و تفکر نتقادی آن شکل بگیر د. شاهدمثال: گرایش دو بزرگ

ادبیات داستانی ایران، یعنی صادق هدایت و صادق چوبکاند که گفتمان یکیشان، سیطره جدی ای بر ادبیات ایران، به خاطر نزدیکی اش به تفکر سنتی

بر ادبیات ایران، به خاطر نزدیکیاش به تفکر سنتی شاعرانه (در محتواونه شکل) و گرایش ذهن گرایش دارده اما دیگــری، آگاهانه، ادبیــات عین گرایی را به ادبیات ایران پیشنهاد داداما با توسعه ادبیات ذهن گرا،

نتوانست خودش نیز مقاومت کُند و به سمت ادبیات ذهن گرادر اواخر کارهایش میل پیدا کرد.

ایران، توسیعه زیسادی پیدا کسرد. چسون او با هوش

..رص ر سرشـــارش، تفکر سنتی شــعر در ایران را ادامه داد و فرم غالب داستان کوتاه را که نزدیکی زیادی از لحاظ

برانی است که گفتمان او و پیشسهادش به ا

ماُهُوى به شـعر دارد (و حُتى دُر داسـ

ت، تاالان، بزرگترین داسستان نویس

شکل گیری مشروطیت دارند، متاثر از خواستهای ت. ادسات و حوزههای معرفته . نگری اروپا، میخواهند نظیم و قانون، دیگری که از ابتدای قرن بیستم و بعد از انقلاب مشروطه در ایران شکل گرفت و تأثیرات عمده سر روشــ جانشین استبداد و قلدری شـود و علم و معرفت به . جای جهل و تیرهاندیشی بنشیند؛ و روابط اجتماعی، بهروابط اجتماعی بورژوایی تغییر کند. اینهامهم ترین و اجتماعیای که این اتفاق، در شرایط اُجتماعی و تاریخی گذاشت از سنخ و گونهای که در غرب ب روب... بست می برزرویی سیبر سدیه به به به برزید خصلتهای ادبیات ایران تاسال های ۱۳۴۰ شمسی اند. (میرعابدینی، ۱۳۷۷-۲۵:۱۳۷۹ ج ۱) شاهدش بودیم، نبوده و نیست. ایران و تاریخ ایران بزرگ آن زمان، یعنی روسیه تزاری و انگلستان بود و اساسا، در بزنگاههای تاریخ و ماجراهای مدرنیته در غرب، شرکت نداشته است و تمام دستاوردهای غرب براًی مابیّشتر از سـنخ وارداُت بودند.اعُمُاز ورود کالا و نه تکنولوژی، ورودافکار تولید شــده در غرب بدون ر در کر برای در استفاده از صنایع مونتاژیدون تفکر انتقادی، که بعدا، استفاده از آنها، تأثیر دامنه داری را در فرهنگ درست استفاده از آنها، تأثیر دامنه داری را در ایران گذاشت که شرایط به وجود آمده از این واردات روی غربی می توانست در دست نویسندگان، خوراک خوبی برای تولیدرمان اجتماعی شود که چنین نشد گرفته و قوی به پیش می تازد؛ که دستاوردهای آن اما در اصل ورود داستان نویسی به ایران، مانند دیگر حوزههای معرفتی و تکنولوژیک، ابتر و بدون تفکر سیستماتیک بود و فلسفه ای پشتش قرار نداشت؛ و در ادامه، تفکر انتقادی و نظریات ادبی در کنارش شکل نگرفت که بتوان جریان های ادبی و نحله ها و مکاتب

ادبى|يجادكند ادبی ایجاد نند. هستی شناسی غالب آن زمان (ابتدای قرن بیستم) ادبیات داستانی ایران در ادامه منطقی سنت ادبی ایران، (از لحاظ ماهوی) دو شسکل و ماجرا داشست: هستی شناسی شاعرانه خیامی، با توجه به بازی های زبانی در فرم شعر عروضی و حتی داستان سرایی منظوم و شکل رمانتیک ایرانی تحت تأثیر نحلههای

وارداتی غربی. به همین دلیل، وقتی به تبار شناسی داستان ورمان ایرانی در صد سال گذشته دقت کنیم، دو گرایش یریی کر عمده به علاوه یک گرایش ابتر دیگر (که می توانست راهگشای رمان فارسی شود) در ادبیات داستانی ایران حُکمفرما شُد وامروز تقریبا در رمان و داستان ایرانی ادامه دارد. «غیر از کوشــشهای اولیه کــه در دوران مشــروطه اتفاق افتاد و شــکل گرفت؛ روشنفکران









بعد از او که نگاه میکنیم، داستان نویسیی ایران، به تُ گُرایشــی ذهن گرا و فرمال در بیان پیش رفت وبيشتربه ادبيات درونگرای فردی ميل پيدا کرد تا ریات اجتماعی و حتی تجربههای نویسندگان رئالیسم سوسیالیستی نیز، منجر به ادبیات قوی

. اجتماعی ای نشده و آن تجربه ها نتوانست به سنت

رمان وداستان اجتماعي فراگيري تبديل شود

اسا نقسان دیدری ندب بادی بعداست. می توانست به توسعه رمان اجتماعی منجر شود را باید در داستان های صادق چوبک دنبال کرد صادق چوبک، با تأسی از ادبیات آمریکای همعصر خودش، بهخصوص و تحت تأثیر ادبیات ناتورال فرانسوی، بین آن همه داستان نویس به چوبک می پردازد، زیراً او (براهنی) مبلغ درست رمان نویسی در نقدهایش ست.امیدواریم درمقالی دیگر،به آن بهردازیم.

در این میان حضور زنان به عنوان نكىبركورى یز کم کم در اُدبیات این دهه دیده شد. از دهه ۸۰ شاهد نوعی تغییر رویکر د PO TO ر داستان های احتماعی هستیم درواقع دیگر،نویسندگان برای نوشتن داستان هایی که دغدغه های اجتماعی

رابه صورت مستقیم بیان کنند کمتر علاقه نشانُ دادند ُو بيشتر به سمتَ دا آپارتماین حرکت کردند. در این میان مرگ چند نویسنده تأثیر گذار ادبیات اجتماعی نیز تأثیر شدیدی برادبیات کشور داشت.

همچنین وضع بسته وزارت ارشادنیز باعث شد که از سال ۸۴ تا ۹۲ به نوعی ادبیات اجتماعی در ىحاقى باشد. ھمين امر حُتى به ادبيات جنگ نيزُ ضربه شديدى وارد كرد و باعث ر كود شديدادبيات اجتماعي انتقادى كشور

. بـا روی کار آمدن دولـت جدید و آزادی نسبی که در عرصه چاپ کتاب صـورت گرفت شـاهد رونـق دوباره این گونه مهم ادبی کشــور هس به گونهای که نویســندگان نا ــندگان نام آشنا و جوانے را می توان دید که در حال

رشدونمو دراين فضاه موخره: ذکــر چند نکتــه در این یادد موجود، صر پندایست و ایل آیاکه نقش ادبیات حایز اهمیت است اول آنکه نقش ادبیات اجتماعی دربالیدن یک جامعه وهمین طورنقش نویسندگان زن را نمی توان نادیده انگاشت و مورد غفلت قرار داد از آن جا که این یادداشت شمار مدو و سه ای خواهد داشت در آن یادداشتها به نقش زُنان نویسنده خواهیم پرداخت که باید در آن آثار نیز به مانند همین یادداشــت از ابتــدای ادبیات مدرن ایران اشاره کردو به پیش رفت.

رص ر ر ر ر . پ تار ت نکته دیگــر این که برخی از اســامی قاعدتا در وشته مورد غفلت قرار گرفتهاندو نگارنده ادعایی در کامل بودن نوشته خودندارد.دیگر آن که نقش مترجمین راهمان گونه کهاشاره شد در این راستا بايدبهجدموردارزيابى قرارداد